

به نام خدا

جزوه روایت پژوهی

فهرست مطالب

پژوهش چیست؟.....	۳
انواع پژوهش.....	۳
• پژوهش کمی.....	۳
• پژوهش کیفی.....	۳
تعریف روایت.....	۴
انواع روایت.....	۷
• سرگذشت نامه.....	۷
• تاریخچه زندگی.....	۷
• تاریخ شفاهی.....	۷
• خود نوشت نامه.....	۷
• خودمردم نگاری یا اتواتنوگرافی.....	۷
پژوهش روایی.....	۷
انواع پژوهش روایی.....	۸
نقاط قوت و ضعف روایت پژوهی.....	۱۰
۱. روایت پژوهی و تربیت معلم فکور پژوهشگر.....	۱۰
۲. روایت پژوهی ابزاری برای استخراج معنا از دل موقعیت ها.....	۱۱

- ۳۰. روایت پژوهی به مثابه‌ی ابزاری خودشناسنده ۱۲
- ۴۰. روایت واسطه‌ی درک مستقیم ساختارهای آموزشی و پرورشی ۱۲
- ۵۰. روایت پژوهی ابزاری در کسب و تقویت اعتماد به نفس ۱۲
- زاویه دید یا روش نقل حکایت ۱۳
- مشاهده در پژوهش روایی ۱۳
- سؤال های پژوهش روایی ۱۴
- مشارکت کنندگان در تحقیق ۱۵
- نقش پژوهشگر در پژوهش روایی ۱۶
- راهنمای مشارکت در پژوهش روایی ۱۸
- گردآوری روایت ۱۸
- نوشتن روایت ۱۹
- پیاده سازی روایت ۲۱
- ساخت روایت ۲۲
- ایجاد فضای روایت ۲۳
- اجرای روایت ۲۳
- اعتبار پژوهش روایی ۲۴
- روایی ۲۴
- پایایی ۲۵
- اعتبار بیرونی یا تعمیم پذیری ۲۶
- ملاحظات اخلاقی در پژوهش روایی ۲۷

پژوهش چیست؟

پژوهش عامل توسعه و پویایی سازمانی و منشأ تولید و توسعه دانش است. واژه پژوهش یا تحقیق به معنای درست کردن، رسیدن، رسیدگی، بررسی، مطالعه و تحقیق، تفحص و تتبع و در واقع اسم یا عنوان یکی از فعالیت های انسانی است. فعالیتی که هدف آن شناختن امور ناشناخته است. تحقیق از نظر روش شناسی عبارت است از کاربرد روش های علمی در حل یک مسأله یا پاسخ گوییه یک سؤال.

انواع پژوهش

پژوهش را می توان به طرق مختلفی طبقه بندی کرد. یکی از این طبقه بندی ها، تقسیم آنها به نحوه انجام پژوهش کمی و کیفی است.

• پژوهش کمی

نحوه انجام پژوهش کمی از ابتدا در علوم طبیعی برای بررسی پدیده های طبیعی شکل گرفت. رویکرد کمی نوعی روش پژوهشی است که محقق تصمیم می گیرد درباره چه چیزی مطالعه مطالعه کند. سؤالات مشخص و کاملاً تعریف شده ای را مشخص می کند، اطلاعات کمی از نمونه تحقیق جمع آوری می کند، با روش های آماری به تجزیه و تحلیل این اطلاعات می پردازد، تحقیق خود را به صورت کاملاً عینی و به اصطلاح غیر سوگیرانه اجرا می کند.

• پژوهش کیفی

در این رویکرد محقق با اتکا به نظر شرکت کنندگان در تحقیق، سؤالات گسترده و کلی را پرسش می کند، به جمع آوری اطلاعاتی می پردازد که عمدتاً از نوع کلامی و متن است، به توصیف و تحلیل این کلمات و متن ها می پردازد و تحقیق خود را به صورتی ذهنی و به اصطلاح سوگیرانه اجرا می کند. در روش کیفی محقق بر شنیدن دیدگاه های شرکت کنندگان، بر پرسش های عمومی و باز و جمع آوری اطلاعات از همان محلی که مردم در آن زندگی می کنند و بر حمایت از تغییرات و بهبودبخشی زندگی افراد و گروه ها تأکید دارد.

مهمترین طرح های پژوهشی در پژوهش کیفی عبارتند از:

۱. مطالعه موردی
۲. طرح های روایتی
۳. تیوری زمینه ای
۴. روش تاریخی
۵. قوم نگاری
۶. پدیدار شناسی
۷. اقدام پژوهی یا تحقیق در عمل
۸. تحلیل گفت و گو

تعریف روایت

روایت مهمترین وسیله ارتباطی ما با دیگران است. با تحلیل عناصر روایت، ما به معنایی که شخص در ذهن دارد پی می بریم. ما با روایت های خود، جهان را در ذهن می سازیم و واقعیت را در چارچوب روایت می فهمیم. در عین حال روایت، فهم ما از جهان واقعیت است و ما از خلال روایت، جهان را درک می کنیم. اجمالاً می توان ویژگی های روایت را به شرح زیر بیان کرد:

- 1 - روایت بیان تجربه ما از وقایع است. ما در زندگی تجربه های فراوان داریم. تجربه درس خواندن، مدرسه، مهمانی، دعوا، جنگ، رفاقت، آشتی و هزاران تجربه دیگر که آنها را لمس کرده ایمو با آنها زندگی کرده ایم؛ آنچه که در اصطلاح به آن تجربه زیسته می گویند.
- 2 - بیان وقایع در روایت و داستان مبتنی بر تسلسل زمانی است. یعنی هر حادثه ای به دنبال حادثه ای دیگر می آید و تابع توالی و ترتیب زمانی است. این طور نیست که در روایت ما حوادث را بدون ترتیب زمانی رخداد آنها بیان کنیم.
- 3 - روایت دارای پیرنگ است. پیرنگ طرح کلی است که روایت ما از آن تبعیت می کند. کسانی که داستان می نویسند آگاهانه این طرح کلی را در ذهن خود ترسیم یم کنند و سپس در قالب این سرح

کلی روایت خود را نقل می کنند. اگرچه داستان ممکن است شخصیت های مختلف داشته باشد، ولی خواننده وقتی داستان را می خواند دچار آشفتگی و تناقض نمی شود و طرح کلی که نویسنده رمان یا داستان انتخاب کرده است موجب آن می شود که روایت برای خواننده معنادار باشد. در بیانی کلی می توان گفت که پیرنگ را بیانگر زنجیره ای از حوادث و رویدادها در داستان دانستو مبنایی که این حوادث بر اساس آن در هم تنیده می شوند.

4 - روایت دارای جنبه علی است و ما در بیان روایت خود ارتباط بین رخدادها، پاره ای حوادث را به حوادث دیگر ارتباط علی می دهیم. مثلاً وقتی راوی در خاطره اش می گوید:

وارد کلاس اول دبیرستان شده بودم، ساعت اولی که درس زبان فرانسه داشتیم از خوشحالی روی پا بند نمی شدم. خیلی احساس غرور می کردم. معلم فرانسه وارد کلاس شد. در مشهد درس خوانده بود و می گفتند تمام دروس را حفظ است. روز اول، درس داد و جلسه بعد یکی از دانش آموزان را صدا زد پای تخته. دانش آموزی بود قد بلند و سیه چرده که سرش از تخته سیاه گذشته بود. معلم هم آن طرف ایستاده بود، جثه کوچکی داشت، گفت الفبا را بگو. دانش آموز شروع کرد به گفتن حروف، به حرف «او» که رسید، دهانش را غنچه کرد، همه خندیدند. معلم شاید فکر کرد که باید کاری بکند تا بتواند کلاس را بعد از آن اداره کند، به من که از همه کوچکتر بودم و در ردیف جلو نشسته بودم، گفت: چرا خندیدی؟ گفتم: همه خندیدند. چند سیلی به زیر گوشم زد و گوش مرا گرفت و از کلاس بیرون کرد. این اولین باری بود که در مدرسه به من توهین می شد. برخورد معلم فرانسه باعث شد با این که همه درس هایم بسیار خوب بود، دیگر در تمام دوره دبیرستان، فرانسه یاد نگیرم. چند سال بعد که وارد دانشسرای عالی شدم، معلم فرانسه ما خانم نفیسی بود. من که تا آن زمان، معلم زن نداشتم، خجالت کشیدم. پیش خود گفتم: الآن خانم نفیسی هم می فهمد که من بی سوادم و فرانسه بلد نیستم. چند جلسه گذشت، یک روز گفت شما باید انشا هم بنویسید. تب کردم، من انشاء بنویسم، آن هم به زبان فرانسه؟! رفتم خیابان بوذرجمهری، هرچه کتاب فرانسه پیدا کردم، خریدم.

۱۶ آذر آمد. دانشگاه شلوغ شد و کلاس‌ها تعطیل شد، من تمام دو هفته را انشاء می‌نوشتم که آبرویم پیش معلم فرانسه نرود. بالاخره انشاء را دادیم به خانم، گذاشت توی کیفش، من هم یک هفته به کیف خانم فکر می‌کردم. هفته بعد خانم معلم آمد، کیفش را روی میز گذاشت و ورقه‌ها را درآورد. گفت شکوهی کیه؟ به خودم گفتم: ای وای خانم هم فهمید. اما خانم نفیسی گفت: شکوهی، خوب انشایی نوشتی. بار من سنگین شد. از آن به بعد، من بهترین شاگرد کلاس فرانسه شدم، از خانم نفیسی هم در امتحان ۲ تا ۲۰ گرفتم (غلامحسین شکوهی، به نقل از نیستانی،

5 - روایت یک کل منسجم است. وقایعی که در زندگی برایمان رخ می‌دهد، تکه‌های جدا افتاده‌ای به

نظر می‌آیند؛ ولی هنگامی که می‌خواهیم آنها را روایت کنیم، نوعی ئیوند میان این اجزاء به ظاهر جدا، ایجاد می‌کنیم تا معنادار شود. اگر از شما بپرسند که دوران مدرسه را تعریف کنید، شما از بین حوادث فراوانی که برای شما اتفاق افتاده است، آنچه را که از نظر شما اهمیت دارد به گونه‌ای روایت می‌کنید که گویی یک کل منسجم، نظام دار و هماهنگ مواجه هستیم. عامل ایجاد این انسجام، پیرنگ است که رمان نویسان و داستان نویسان، ئیش از شروع نگارش داستان، یا حین نگارش آن، طرح را در ذهن خود پخته می‌کنند و بر اساس طرح کلی خود یا پیرنگ، میان وقایع، ارتباط برقرار می‌کنند.

6 - ما از طریق روایت به تجربه‌های خود معنا می‌بخشیم. اگرچه در رشته‌های مختلف علمی دیدگاه

های گوناگونی درباره روایت وجود دارد؛ ولی اغلب محققان مقصد همه اشکال روایت را معنا بخشیدن به زندگی می‌دانند. تصور کنید که چند نفر به شهر شیراز رفته و از آنجا بازدید کرده‌اند. اگر شما از هر یک سؤال کنید: چطور بود؟ خوش گذشت؟ چه خبرها بود؟ هر یک روایت خود از این سفر را می‌گویند، ولی هرگز شما یک روایت واحد از آنچه که آنها دیده‌اند نمی‌شنوید. در واقع دانش قبلی، علائق، تمایلات و بسترهای ئیشین موجب می‌شود که آن شهر و موقعیت معناهای متفاوتی را در ذهن دیدارکنندگان ایجاد کند.

انواع روایت

• سرگذشت نامه

نگارش زندگی شخص توسط دیگری است. در این روایت جنبه های مختلف زندگی شخص برجسته می شود و به نوعی شخصیت او دیگر بار زنده می شود. سرگذشت نامه به معنای ضبط نام ها و زمان ها نیست. در واقع سرگذشت نامه شخصیت فرد را با نقل داده ها و واقعیات زندگی او خلق مجدد می کند.

• تاریخچه زندگی

به قصد شرح و توصیف کل زندگی شخص نگاشته می شود، در حالی که در گونه های دیگر روایت ممکن است بر بخشی از زندگی شخص تأکید شود؛ مانند دوره کودکی فرد، یا دوره شرکت او در جنگ یا زمان قرار گرفتن و در مقامی سیاسی.

• تاریخ شفاهی

خاطراتی است که فرد از زندگی خود می گوید و محقق آن را ثبت و ضبط می کند.

• خود نوشت نامه

تحریر مؤلف از زندگی خود است.

• خودمردم نگاری یا اتوانوگرافی

صورت دیگری از شرح حال زندگی مؤلف است که البته با خودنوشت نامه متفاوت است و مؤلف در آن، علاوه بر شرح وقایع زندگی خود به تفسیر آن در بستر فرهنگ می پردازد.

پژوهش روایی

همانطور که پیش از این نیز گفته شد پژوهش روایی یکی از انواع پژوهش های کیفی است. در پژوهش روایتی محقق به توصیف چگونگی زندگی افراد می پردازد، عموماً بر مطالعه یک فرد خاص تمرکز دارد، اطلاعات خود را از طریق جمع آوری داستان ها فراهم می کند، از اطلاعاتی که جمع آوری کرده است برای بیان زندگی آنان

استفاده می کند، روایت هایی از تجارب زندگی افراد را به قلم می آورد و معنای این تجارب را ارایه می کند. این بدان معناست که پژوهشگر تحقیقات روایتی بر اهمیت یادگیری از مخاطبان مورد مطالعه خود تأکید دارد. کرسول (۲۰۱۲) معتقد است اصطلاح روایی از فعل «روایت کردن» یا «بیان کردن» (مانند داستان) با جزئیات «می آید. پژوهش روایتی یک راهبرد پژوهشی است که پژوهشگر به کمک آن زندگی افراد را مطالعه می کند و از یک یا چند نفر می خواهد که داستانهای زندگی خود را بیان کنند. سپس، این اطلاعات توسط پژوهشگر به صورت روایت زمانی بازگویی یا بازسازی می شوند. در پایان روایت مورد نظر، پژوهشگر دیدگاههای زندگی شرکت کننده را با دیدگاههای زندگی خود در قالب روایت جمعی (مشترک) تلفیق می کند.

وجه مشخص روایت ها سازماندهی خطی رویدادهاست. مبنای روایت ها اتصال پی در پی و ظاهر شدن داستان در آن هاست. به بیان دیگر روایت ها دارای یک آغاز، مجموعه ای از کنش های مداخله کننده و به دنبال آن پایانی هستند که منوط به کنش های قبلی حادث شده است. روایت ها محصور کننده و انعکاس دهنده ی اهمیت روش شناختی و تاریخی ترتیب زمانی کنش به شمار می آیند. " هر لحظه ی تاریخی هم نتیجه ی فرایند قبلی است و هم شاخصی به سوی جهت مسیر آینده ی آن است " (تامپسون، ۱۹۷۸).

انواع پژوهش روایی

کرسول در سال ۲۰۱۲ انواعی از طرح های روایتی را لیست می کند:

- زندگی نامه شخصی
- زندگی نامه
- نوشتن زندگی نامه
- گزارشات شخصی
- روایات فردی
- مصاحبه های روایی
- مدارک شخصی
- مدارک شرح حال
- روایات زندگی نامه و حوادث زندگی

- شرح حال شفاهی
- سرگذشت قومی
- زندگی نامه قومی قوم نگاری شخصی
- قوم شناسی
- قوم نگاری های فرد محور
- خاطره های همگانی

روایت ها حامل داده هایی از تجربه هستند. اما این اطلاعات غیرقابل اندازه گیری اما قابل تفسیر و دیدن هستند. روایت با تاریخ انسان آغاز می شود و در هر زمان و مکان به صورت هی نامحدودی اتفاق می افتد و در اسطوره، افسانه، داستان، قصه، رمان، حماسه، تراژدی، نقاشی، سینما، درام، کمدی، مکالمات و موارد مشابه اتفاق می افتد. روایت ابزار مناسبی برای سهیم کردن تجربه های مختلف است به گونه ای که فهم مشترکی از آن پدید آید.

روایت پژوهی یا روایت نویسی در کارورزی معلمی، مرحله ای است که در حین مشاهده و به خصوص بعد از آن اتفاق می افتد. مشاهده گر به شیوه نقل یا نمایش و توصیف و تشریح به بیان رخدادها، رفتارها، روابط و ماجراهایی می پردازد که در کلاس درس اتفاق می افتد.

روایت پژوهی با تأکید بر تجارب نویسندگان برای یافتن مسأله و نیز حل مسأله شکل می گیرد. و در واقع با نگاهی انتقادی به دنبال ایجاد تغییر در جامعه هدف است. دال مرکزی گفتمان این رویکرد روش شناسانه ثبت و سپس مطالعه تجربه های زندگی به مثابه داده هایی برای فهم فرهنگ و زندگی اجتماعی است. در واقع تجاربی که در جایگاه پدر، مادر، معلم و موارد مشابه به دست می آید مبنای تولید دانش قرار می گیرد. سابقه ای این امر در جهان به طور مشخص به دهه های ۶۰ و ۷۰ می رسد که مردم شناسان از تجارب زندگی خود به طور گسترده ای برای تولید دانش بهره می گرفتند. در این نوع پژوهش ها «خود» که در مطالعات پوزیتویستی حذف شده بود به منزله ی فاعلی شناسا به میان می آید.

نقاط قوت و ضعف روایت‌پژوهی

روایت‌ها ابزار مناسبی برای بررسی توالی در موضوعاتی مانند دوره‌ی زندگی، مسیرهای زندگی و شغلی و سازمانی و یا منتهی به بزهکاری به شمار می‌آیند. و اطلاعات مفیدی درباره‌ی زندگی و هویت افراد در اختیار قرار می‌دهند و مجالی برای تفسیر و بازاندیشی و طبقه‌بندی داده‌های منتج از تجربه در اختیار قرار می‌دهند. به رغم مزایای فوق صاحب‌نظران ضعف در تبیین علمی فرایندهای اجتماعی، توجه بیشتر به شناخت‌شناسی به جای توسعه و تدقیق روش‌شناسی، انتخابی بودن معیارهای تفسیر و تبیین، واقعی دیدن تمام تجارب و مشاهدات روایت‌گر و امکان‌پذیر نبودن بیان همه‌ی همه‌ی تجارب و عرصه‌ها در قالب روایت اجتماعی را از محدودیت‌های روایت‌پژوهی بر می‌شمردند. (ذکایی، ۱۳۸۷: ۹)

«کارکرد بازنمودی روایت، و تأکیدش بر جزئیات پیشینه‌ی علی و روابط زمانی بی‌تردید آن را به ابزاری مناسب برای بازنمایی تجربه، تصمیم، کنش و تأثیرهای آن‌ها بر جهان بیرون تبدیل می‌کند. برای فهم معنای کنش‌های افراد، آن‌ها را در زمینه‌ی روایتی گسترده‌تری می‌گنجانیم که بر علت‌های بینش و منطقی تأکید دارد.» (کوری، ۱۳۹۱: ۱۹۸) و امروزه به منزله‌ی یک نظریه و روش مطالعاتی جزء ثابت پژوهش‌های علمی قرار گرفته است. در روان‌شناسی افرادی مانند برونر شرح زندگی و سرگذشت افراد را مانند یک برساخت اجتماعی در نظر می‌گیرند و زندگی افراد را بر اساس آن تحلیل می‌کنند. (فلیک، ۱۳۹۱: ۳۷۰)

• ۱. روایت‌پژوهی و تربیت معلم فکور پژوهشگر

در روایت نوعی ظرفیت تقریباً جامع و مانع برای بررسی، تحلیل و تفسیر امر پیچیده‌ی آموزش دیده می‌شود. با عنایت به این که روایت‌ها دارای دو نوع وحدت درونمایه‌ای عام و خاص هستند (کوری، ۱۳۹۱: ۵۵) و با توجه به این که ویژگی مشترک همه‌ی روش‌های تحلیل داده‌های روایی این است که به هنگام تفسیر داده‌ها از طرح کلی روایت آغاز می‌کنند و بستر روایت را هم مد نظر دارند. (فلیک، ۱۳۹۱: ۳۷۲) پژوهشگر امر آموزش (در اینجا دانشجو معلم) ابتدا به ترسیم درونمایه‌ای کلی از دل رویدادهای معین مانند نظام‌های آموزشی، ساختاری، فیزیکی و عاطفی مدرسه می‌پردازد، سپس با بهره‌گیری از وحدت درونمایه‌ای خاص روایت به طبقه‌بندی و کدگذاری داده‌های کلی اقدام می‌کند و در ادامه به توصیف و تفسیر آن‌ها تا رسیدن به مسأله و تبیین آن پیش می‌رود. به این ترتیب روایت می‌تواند منبع مهمی برای امر پژوهش و تربیت معلم فکور باشد.

از منظر دیگر صاحب‌نظرانی مانند لایوف شش جزء کارکردی متمایز برای روایت بر می‌شمرند که عبارتند از: انتزاع، جهت‌گیری، کنش پیچیده‌کننده [گره افکنی] ارزیابی، نتیجه و کد. (ذکایی، ۱۳۸۷: ۴-۷۳) که اگر چه شرح و تفسیر آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد اما می‌تواند دلیل قاطعی بر ای اثبات جامع و مانع بودن آن به منزله‌ی یک روش پژوهشی باشد.

• ۲. روایت پژوهی ابزاری برای استخراج معنا از دل موقعیت‌ها

بخش اساسی امر روایت پژوهی مرحله‌ی تفسیر و تبیین داده‌ها است. روایت پژوه که در مراحل اولیه صرفاً در مقام یک گردآورنده به جمع‌آوری اطلاعات مبادرت ورزیده است پس از آن و در مرحله‌ای مهم‌تر وظیفه‌ی معنا بخشی به این اطلاعات را بر عهده دارد. و در واقع در این مرحله است که در نقش یک پژوهشگر ظاهر می‌شود. و بنیان‌های این پژوهشگری را به صورت عملی فرا می‌گیرد؛ از جایی که مهمترین ابزار روایت پژوهی حرفه‌ای نقل تجارب در قالب زبان است برای تولید معنا و ارائه‌ی دانش نیز می‌توان از شیوه‌های مرسوم پژوهش در زبان مانند حذف، جانشین‌سازی و هم‌نشین‌سازی کمک گرفت. به این گونه دانشجو معلم حداقل‌هایی را تجربه می‌کند که گام‌های بنیادی پژوهش هستند. به بیان دیگر محقق با بهره‌گیری از تکنیک‌های ذکر شده و موارد مشابه و متنوع دیگر در امر پژوهش به معنای واقعی ورزیده خواهد شد. به عنوان نمونه او می‌آموزد در مرحله‌ی آغازین تحلیل با استفاده از تکنیک حذف بخش‌هایی از روایت را که با موضوع وحدت‌بخش کلی نامرتبب تشخیص داده می‌شوند حذف کند، پس از آن جهت تجمیع اطلاعات و پرهیز از بیان موارد تکراری از تکنیک جانشین‌سازی در زبان بهره بگیرد و مفاهیم و مصادیق مشابه را سامان دهد و در ادامه با هم‌نشین‌سازی کدهایی که حضورشان در متن ضروری تشخیص داده می‌شود به طبقه‌بندی کدهای محوری و استخراج مضامین از آن‌ها بپردازد. از آن جا که استخراج معنا از متن محدود به یک شیوه‌ی خاص نیست آنان راه‌های متفاوت تولید معنا را خواهند آموخت. نمونه‌ی دیگر از مراحل تولید دانش در یک متن را در الگوی وان دایک می‌بینیم که مراحل استخراج معنا از یک متن روایتی را افزون بر کاربرد قاعده‌ی حذف در انتخاب، تعمیم و ساختن می‌بیند. (ذکایی، ۱۳۸۷: ۷۶) خلاصه این که دانشجو معلم در پژوهش روایتی مهارت‌های چهارگانه را که در نقطه‌ی کمال خود به تولید متن نوشتاری طبقه‌بندی شده و مفهومی می‌انجامد به صورت عملی و نظام‌مند تجربه خواهد کرد.

• ۳. روایت‌پژوهی به مثابه‌ی ابزاری خودشناسنده

دانشجو معلم در روایت‌پژوهی نقش‌های متعددی را بر عهده دارد او هم در صحنه‌ی عمل و کنش اجتماعی حضور دارد هم نویسنده است و هم روایت‌گر. به این ترتیب از ظرفیت‌های حداقل سه‌گانه در امر روایت بهره می‌برد. او در ابتدا نویسنده‌ی روایتی است که تولید می‌شود. از جانب دیگر او در مقام روایت‌گر یک دانای کل و همه‌چیز دان است که تا حد ممکن به کنه هر پدیده‌ای در بطن روایت اعم از فیزیکی و مادی و معنوی و انسانی پی می‌برد. از زاویه دید دیگری او هنگام تحلیل روایت خود یکی از کنشگران داستانی در بطن این روایت است. که شناخت همه چیز و کلید گشاینده‌ی امور در داستان اوست که هم نویسنده بوده است و هم راوی و هم کنشگر. در واقع دانشجو معلم جایگاهی را در روایت می‌یابد که برای هیچ کنشگری در صحنه‌ی داستان میسر نیست. او ضمن شناخت و تحلیل روایت به شناختی از خود دست می‌یابد و نقاط ضعف و قوت خود را به مثابه‌ی یک عضو روایت باز می‌شناسد.

• ۴. روایت واسطه‌ی درک مستقیم ساختارهای آموزشی و پرورشی

مردم از طریق روایت خود و جهان را درک می‌کنند. (مکوئیلان، ۱۳۸۸: ۴۵۵) و این تقریباً در تقابل با مصاحبه‌های ساختار یافته‌ای قرار می‌گیرند که به گونه‌ای ساختگی تجربیات افراد را قطعه قطعه بیان می‌کنند. روایت‌پژوهی در کارورزی دانشجو معلمان در قالب گزارش‌های متعدد اعم از ساختاری، فیزیکی، آموزشی، عاطفی و گزارش آزاد و مواردی از این قبیل صورت می‌گیرد در واقع دانشجو معلم در روند نگارش اولیه‌ی این روایت‌ها گام‌هایی به سوی درک تاملی از رفتار و کردار عوامل دخیل در امر آموزش و پرورش به دست می‌آورد و در مراحل بعد با طبقه‌بندی و نظم بخشی به این روایت‌های خود نوشت و تحلیل و تفسیر آن‌ها این شناخت تکمیل می‌گردد. به بیان دیگر روایت‌ها باعث می‌شوند آن‌ها بتوانند در مقیاس کوچک مدرسه و محیط آموزشی و در معیار بزرگ‌تر جهان را ساختاریافته‌تر و مسلط‌تر درک کنند.

• ۵. روایت‌پژوهی ابزاری در کسب و تقویت اعتماد به نفس

اگر این ایده‌ی صاحب‌نظران را بپذیریم که گفتن داستان همواره با قدرت و مالکیت و سلطه پیوند دارد. (مکوئیلان، ۱۳۸۸: ۲۱) روایت‌نویسی دانشجو معلمان می‌تواند ضمن آن که نوعی تسلط بر دانش مفید حرفه‌ای را به آن‌ها می‌بخشد که بر اساس آن اعتماد به نفس ضروری برای حرفه‌ی معلمی حاصل شود افزون بر آن به

صورت عملی آن‌ها خود را به منزله‌ی آفریننده‌ای حقیقی باز می‌شناسد و در حقیقت مراحل تا تولید دانش آن‌ها را در جایگاه یک نویسنده‌ی خلاق معرفی می‌کند و اعتماد به نفس ضروری جهت حرفه معلمی در آن‌ها تولید و بازتولید می‌گردد.

زاویه دید یا روش نقل حکایت

زاویه دید یا روش نقل حکایت، کانون روایت نامیده می‌شود و سازمان بندی داستان را تعیین می‌کنند و ممکن است به صورت اول شخص (من و ما) باشد که به وی راوی یا روایت گر گفته می‌شود. این زاویه دید برای بیان خاطره، واقعه پرداری و شرح حال مناسب است. زاویه دید اول شخص می‌تواند به صورت روایت ذهنی روایت زندگی نامه ای، روایت خاطره گونه، روایت نامه ای، روایت خاطره گونه، روایت نامه ای و روایت یادداشت گونه اتفاق بیفتد. بدین ترتیب راوی خواننده را متوجه خودش می‌کند تا وی را در جریان عمل قرار داده و دقت و کنجکاوی برانگیزد. زاویه دید سوم شخص شیوه دیگری از نقل و روایت است که نویسنده در قالب شخصیت های داستان می‌رود و ویژگی های روحی، عاطفی، و خلقی وی را برای خواننده ترسیم می‌کند و از نزدیک مشاهده گر اعمال و افکار آنهاست و می‌داند که چه می‌خواهند و به چه فکر می‌کنند.

مشاهده در پژوهش روایی

از نظر روش شناختی مشاهده گر باید بداند چه کسی، چه چیزی را و چگونه مشاهده کند. باید متن را شناسایی و هدف خود را تعیین کند و درجه اهمیت مشخصه های مشاهده را دریابد. باید آمادگی مشاهده را کسب کند تا گردآوری، ثبت، استنباط و تفسیر خوبی داشته باشند. برخی از چیزهایی که مشاهده گر می‌تواند مشاهده کند عبارت اند از: کنش ها و واکنش ها، رفتارها و رخدادها، ویژگی ها و خصوصیات، نسیت ها و رابطه ها، ارتباطات و تعاملات، فعالیت ها و عملکردها، تکرار و توالی رخدادها، الگوها و شیوه ها، محیط و مردم.

همچنین جنبه های عاطفی، شناختی و حرکتی رفتارها، ایما و اشارات، زبان بدن می‌تواند جز مقولات مورد مشاهده باشد. منابع داده ها و متغیرهای مورد مشاهده می‌تواند محیط فیزیکی و اجتماعی، نظرات و گرایش ها،

رفتارهای کلامی و غیرکلامی، زبان و گویش های بومی، آداب و رسوم، سنت ها و شیوه ها، خاطرات و یادداشت ها، اسناد شخصی و ثبت شده های اجتماعی، عکس و فیلم، مصاحبه و آرشیو و ... باشد.

همچنین مشاهده گر باید بداند چگونه مشاهده کند و طبق هدف، نوع مشاهده خود را انتخاب کند.

مشاهده ممکن است **پیدا یا پنهان** باشد که در اولی همه می دانند که دارند مشاهده می شوند و مشاهده گر هم پیداست ولی در درومی هیچ کس نمی داند دارد مشاهده می شود و مشاهده گر هم دیده نمی شود. همچنین مشاهده ممکن است **مستقیم یا غیر مستقیم** باشد. در مشاهده مستقیم می توان رفتارها، فرایندها و تعاملات را همان گونه که اتفاق می افتد مشاهده کرد و در مشاهده غیر مستقیم به نتایج آنها توجه می شود. مشاهده مستقیم شامل انواع مشاهده ساختارمند، غیرساختارمند و نیمه ساختارمند است.

در **مشاهده ساختارمند** می دانیم چه چیزی را می خواهیم مشاهده کنیم و در **مشاهده غیرساختارمند** مشخصه هایی از قبل تعریف نکرده ایم. **مشاهده نیمه ساختاریافته** چیزی میان دو نوع مشاهده قبلی است که مشاهده گر چیزی در ذهن یا در دست دارد مانند چک لیست، ولی در عین حال به دنبال مشخصه های بارز پدیده ای که مشاهده می کند نیز هست.

سؤال های پژوهش روایی

در پژوهش روایی همچون سایر روش های کیفی، محقق به دنبال کشف روابط علی، یا پیش بینی حوادث و وقایع نیست. هدف پژوهشگر روایی، یافتن معنا و تفسیر تجربه های انسانی در تعامل با دیگران یا خود اوست. بخش عمده تحقیقات روایی معطوف به معنایابی و تفسیر تجربه های دیگران است. مانند هر پژوهش کیفی، پژوهش روایی با سؤال و مسأله آغاز می شود، سپس محقق به دنبال پاسخ آن سؤال ها می رود. سؤال های پژوهش روایی با چرا آغاز نمی شود، بلکه با چگونه آغاز می شود. سؤال این نوع پژوهش باید قالبی تفسیرگرایانه داشته باشد و به صورت گزاره ای وشته شود که با چگونه آغاز می شود.

مشارکت کنندگان در تحقیق

فرد یا شمار محدودی از افراد را در نظر بگیرید که داستان یا تجربه های زیسته ای برای گفتن دارند. برای شنیدن داستان آنها، وقت زیادی را باید صرف کنید. روش های مختلفی برای گردآوری تجربه های آنان وجود دارد. این روش ها عبارتند از:

- 1 - یادداشت های میدانی از تجربه های مشترک
 - 2 - دفترچه های یادداشت روزانه: یادداشت های روزانه شرکت کنندگان در صحنه عملی، یکی دیگر از منابع داده ها در پژوهش روایی است.
 - 3 - مصاحبه ها: یکی دیگر از ابزارهای گردآوری داده ها در پژوهش رایي، مصاحبه ساختارنیافته است. مصاحبه میان پژوهشگر و شرکت کننده برگزار می شود، متن نوشته آن تهیه می گردد.
 - 4 - داستان گوئی
 - 5 - نامه نگاری: نامه نگاری شیوه ای از ورود به گفت و گوی مکتوب میان پژوهشگر و شرکت کنندگان، یکی دیگر از منابع داده ها در پژوهش روایی است. همچنین می توان از نامه هایی که شرکت کننده برای بستگان نزدیک، خویشاوندان، دوستان، شاگردان و همکاران خود نگاشته نیز استفاده کرد. می توان از اعضای خانواده آنها هم سؤال کرد.
 - 6 - نوشته های خود زیست نگارانه و زیست نگارانه: منظور از خودزیست نگاری ها داستان هایی است که آموزگاران بازگو می کنند.
 - 7 - علاوه بر منابع فوق می توان از اسناد و مدارک موجود خبرنگارانه ها، عکس ها، کاردستی ها و امثال اینها استفاده کرد.
- اطلاعاتی درباره موقعیت راوی جمع آوری کنید. محقق روایی، داستان ها را در موقعیت راوی تحلیل می کند، مثلاً شغل راوی، خانه او، فرهنگ او، نژاد و قومیت و موقعیت تاریخی (زمان و مکان).

به هر روی در پژوهش روایی، محقق باید یک یا چند نفر را بیابد که قابل دسترس باشند و داوطلب فراهم آوردن اطلاعات باشند. دو راه برای انتخاب مشارکت کنندگان تحقیق وجود دارد:

1 - رویکرد علمی که در آن معمولاً افراد به طور تصادفی و شانسی پیدا می شوند.

2 - راه دیگر پیدا کرد فردی است که در حاشیه جامعه زندگی می کند و فرهنگ او با فرهنگ اکثریت جامعه متفاوت است، یا فرد بزرگی که در عصر خودش تأثیر مثبتی داشته است یا فردی معمولی که نمونه قشر وسیعی از آحاد اجتماع است.

روایت هایی که در جریان پژوهش روایی خلق می شوند فقط محصول گفت و گو با یک فرد نیست، بلکه این روایت ها، همچون منظری از یک فرهنگ است که در نقش های اجتماعی مانند جنسیت و سن، بازتابنده شده است. بدین ترتیب محقق روایی باید بداند که هر فردی داستانی برا گفتن دارد. این داستان ها دو نوعند: داستان های دست اول که داستان تجربه های شخص است و داستان های دست دوم که روایت فرد از تجربه های دیگران است.

نقش پژوهشگر در پژوهش روایی

هنگامیکه تحقیق روایی را آغاز می کنید بهتر است با این پرسش آغاز کنید که نقش من در این تحقیق چیست؟ شاید به سادگی بشود گفت من محققم. ولی در واقع نقش ما در تحقیق روایی در نسبت به پدیده تحقیق مشخص می شود. تحقیق روایی پژوهشی از جنس ارتباط است. موضوع شما می تواند معلمانی باشند که ۵ سال اول تدریشان هستند، یا کسانی که خیلی زود، مدرسه را ترک می کنند. در این مقام لازم است محقق درباره زندگی خود، به نحو روایی بیندیشد.

ما بخشی از فرایند تحقیق محسوب می شویم. تحقیق با ما شکل می گیرد و خوب است ما نیز قصه های خود را نیز به هنگام تحقیق بیان کنیم. قصه هایی که در خلال تحقیق بازسازی می شوند. در تحقیق روایی ما سعی می کنیم قصه هایی را که با آنها زندگی و روایت شده درک کنیم. به نحوی که هیچ قضیه ای بر سر جای خود نخواهد ماند، بلکه در ارتباط با دیگران قرار می گیرد. دیگرانی که شامل قصه های محقق روایی نیز می شوند. لذا باید در همان ابتدا روایت خودنوشت محقق نیز بیان می شود. بدون این روایت، کار ما فقط دیگران را شامل

می شود و در نسبت با ما و دیگران تعریف نمی شود. البته این کار بسیار دشوار است. شروع پژوهش روایی با روایت خود نگاشت به ما امکان می دهد که خود را نیز در ذیل تحقیق قرار دهیم. محقق روایی باید قبل از تحقیق، در خلال آن و بعد از تحقیق، تجربه های خود را نیز بنویسد.

در تحقیق روایی باید به گذشته خود برگردیم و حکایت های خود تا دوران کودکی را بازخوانی کنیم. البته لازم نیست همه این موارد را در تحقیق روایی بیاوریم، می توانیم فقط به بخشی که با موضوع تناسب بیشتری دارد اشاره کنیم. برای مثال کلندینین (۲۰۱۳) می گوید که من و جمعی دیگر درباره معلمانی تحقیق می کردیم که شغل خود را در میانه راه رها کرده بودند. در این گروه ما خودنگاشت های خود را آماده کردیم، البته در تحقیق نیاوردیم، مع الوصف فکر می کنم که برای طراحی تحقیق روایی اهمیت دارند. کلندینین این قصه های خودنگاشت را مقدمات روایی می نامد. این بخش در واقع نشان دهنده توجیهات شخصی، عملی، اجتماعی تحقیق است.

پژوهش روایی با شنیدن قصه مشارکت کنندگان شروع می شود. عرصه تحقیق روایی، می تواند عبارت از گفت و گوهای مداوم با مشارکت کنندگان در حال روایت یا زندگی در کنار آنها در مکانی مشخص باشد. باید توجه داشت که لزوماً که لزوماً زندگی زندگی در کنار مشارکت کنندگان و شنیدن قصه های آن ها از تسلسل زمانی تبعیت نمی کند. این گونه نیست که مشارکت کنندگان تحقیق از نقطه الف به نقطه ب و بعد ج بروند. آنها در عین اینکه زندگی می کنند، قصه زندگی خود را هم می گیوند. پس تحقیق روایی از دو نقطه شروع می شود: شنیدن قصه های مشارکت کنندگان یا زیست در کنار آنها و شنیدن قصه هایشان. روش متداول شنیدن قصه های مشارکت کنندگان در تحقیق است. کانلی و کلندینین مصاحبه را کمتر توصیه می کنند. بهتر است تحقیق در قالب گفت و گو باشد. به نظر آنها با زندگی در کنار راویان به گونه ای به محل هایی که برای آنها مهم است راه پیدا می کنیم و روابط دیگر آنها را هم می بینیم. به هر حال نباید فراموش کنیم که وظیفه ما فهم روابط اجتماعی، مکانی و زمانی است.

چه به قصه های گوش دهیم یا در کنار قصه گوین زندگی کنیم، به هر روی تفسیر مداومی از قصه های زیسته و گفته شده وجود دارد. توجه به جنبه های ارتباطی کار با مشارکت کنندگان در چارچوب مفهومی فضای

تحقیق سه بعدی، مستلزم آن است که پژوهشگران روایی و مشارکت کنندگان بپذیرند که آنها همیشه گذشته خود را از منظر حال تفسیر می کنند.

راهنمای مشارکت در پژوهش روایی

پیش از انجام گفت و گو با مشارکت کننده بهتر ایت با تهیه راهنمایی، قرار بین محقق و راوی را مشخص کنید، راهنمایی که عناوین زیر را شامل شود:

- 1 - حق داوطلب برای خروج داوطلبانه از تحقیق در هر زمان
- 2 - مقصد اصلی تحقیق و روش های گردآوری داده ها
- 3 - توضیحاتی درباره مراقبت از محرمانه بودن پاسخ ها
- 4 - توضیحاتی درباره مخاطرات شناخته شده برای مشارکت کننده در تحقیق
- 5 - منافع پیش بینی شده تحقیق برای مشارکت کننده در تحقیق
- 6 - امضای محقق و مشارکت کننده در تحقیق

گردآوری روایت

روایت می تواند مطلبی نوشتاری یا تصویری باشد. در این بخش توجه ما معطوف به روایت های شفاهی در مصاحبه تحقیق کیفی است. در پژوهش کیفی ممکن است مصاحبه طوری طراحی شده باشد که شرکت کننده را به بیان روایت سوق دهد، ولی گاه روایت ها به صورت پیش بینی نشده بیان می شوند.

پاتن (۲۰۱۱) سه نوع مصاحبه کیفی را مشخص می کند: ۱- مصاحبه در قالب مکالمه غیررسمی، ۲- رویکرد راهنمای مصاحبه عمومی و مصاحبه بازپاسخ استاندارد. در نوع اول مصاحبه کننده با در نظر گرفتن هدف اصلی پژوهش در طی مکالمه ای طبیعی از آن نوع که در مصاحبه مردم نگارانه اتفاق می افتد، سؤالاتی را می پرسد. در نوع دوم مصاحبه کننده با توجه به عناوینی از پیش تعیین شده سؤالات خود را مطرح می کند.

مصاحبه نوع سوم مصاحبه ای است که مصاحبه کننده سؤالات خاصی را با ترتیبی مشخص از مصاحبه شونده می پرسد.

البته باید به این نکته توجه کرد که اعتبار این سه نوع مصاحبه کیفی بستگی به میزان باز پاسخ بودن سؤالات دارند. به این معنا که سؤال تا چه میزان به مصاحبه شونده اجازه می دهد که با کلمات خودش به آنها پاسخ دهد. سؤال نباید به گونه ای بیان شود که پاسخ را از قبل به صورت ضمنی در خود گنجانده باشد، مثلاً اگر درباره یک تجربه سؤال می پرسیم به جای اینکه بپرسیم «از سختی های کار قبلی ات برایم بگو» که به طور ضمنی سختی کار را مطرح می کند- بهتر است بپرسیم «چطور شد که کار قبلی ات را رها کردی؟». اغلب پژوهشگران معتقدند سؤالات مصاحبه باید به گونه ای باشد که مصاحبه شونده بتواند با بیان و زبان خود آنها را پاسخ دهد. سؤالات بهتر است بازپاسخ و واضح باشند، به یک موضوع مشخص بپردازند و زبانی غیرآکادمیک داشته باشند.

برای طراحی سؤالاتی با این خصوصیات لازم است که محقق به تمایز سؤالات اصلی تحقیق و سؤالاتی که در مصاحبه مطرح می شود توجه کند، یعنی سؤال تحقیق و سؤالات مصاحبه لزوماً نباید یکی باشند. ممکن است سؤال تحقیق مثلاً مربوط به دانش آموزان در معرض خطر باشد، ولی سؤالی که از مصاحبه کننده پرسیده می شود این باشد که تجربه کودکی ات را در خانواده بگو.

پاتن اشاره می کند که سؤالات باید به چپستی و چگونگی تجربه بپردازند و نه اینکه چرا چیزی اتفاق افتاده است. مانند این سؤال: «بعد از ترک تحصیل چه کار کردی؟» همچنین پاسخ پرسش ها همراه با توصیف تفصیلی و توأم با جزئیات تجربه مشخصی باشد. مانده تجربه تدریس در مدارس روستایی، تجربه تحصیل به موازات تدریس و امثال این ها.

نوشتن روایت

مربوط به زمانی است که خود محقق بعد از مشاهده یک موقعیت یا یک فرد، روایت های خود را بیان می نماید. در نوشتن یک پژوهش روایی رعایت نکات زیر ضروری است:

1 - روایت‌ها. همیشه به طور کامل بر پایه الگویی از علت و معلول نوشته نمی شوند، بلکه بیشتر بر پایه توضیح‌هایی نوشته می شوند که از کل موقعیت جمع آوری می گردد. اگر این کار درست انجام شود نویسنده احساس نخواهد کرد که در جزئیات گم شده است، بلکه درکی از کل را با خود خواهد داشت. البته این امر کار نوشتن را کمی دشوار می کند، چرا که پرداختن به جزئیات ملموس تجربی از ضروریات روایت است و به همین دلیل نحوه داوری میان کل و جز در لحظه از نوشتن، یکی از دشواری‌های نویسنده روایت می تواند باشد.

2 - روایت‌گری یا رویدادهای کلاس درس و هر رویداد دیگری را باید به ترتیب زمانی ثبت و ضبط کرد.

3 - نکته دیگری که باید بدان توجه داشت ساختن «صحنه» و «پیرنگ روایی» است.

صحنه: مکان یا جایی است که کنش در آن روی می دهد، شخصیت‌ها شکل می گیرند و داستان‌های خود را سپری می کنند و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی نیز در آن نقشی مهارکننده و میانی دارد. شاید ساختن مکان و صحنه در کار پژوهشگران روایتگر، دشوارتر از ساختن زمان و پیرنگ باشد. اسناد و مدارک غالباً شامل طرح‌های مختصر شخصیت و وصف‌های کوتاه کلاس‌های درس، اتاق‌های مدیر و مانند آن است. از آنجا که توصیف تصویری صحنه بر حسب شرایط فیزیکی آن کمتر مرسوم است تا برچسب شخصیت‌های حاضر در آن، توصیف چیدمان صندلی‌ها، عکس‌ها و طرح‌های روی دیوار کلاس درس و مدرسه به گونه‌ای که به بیان روایت کمک کند کار آسانی نیست. زیرا هنگام گردآوری داده‌ها بیشتر تمایل بر این است که بر افراد تمرکز شود تا اشیاء. توصیف تصویری دشوار است؛ چرا که از دیده‌ها پنهان است و مستلزم جست و جوی فعال در حین گردآوری داده‌هاست.

پیرنگ: زمان لازمه پیرنگ است. از نقطه نظر پیرنگ، ساختار اصلی زمان، گذشته، حال و آینده است. منابع داده‌های روایی را می توان بر اساس تأکید نسبی شان بر گذشته، حال یا آینده طبقه‌بندی کرد. داستان‌گویی و خودزیست‌انگاری بیشتر در گذشته، عکس‌برداری و مصاحبه بیشتر در زمان حال و نامه‌نگاری و یادداشت‌های روزانه و مشاهدات شرکت‌کنندگان در آینده جای گرفته است. بدین ترتیب از دید نویسنده روایی، انواع گوناگون داده‌ها غالباً این مواضع مختلف زمانی را تقویت

می کنند. این ساختار اصلی زمان، گذشته، حال و آینده با سه بعدی تجربه انسانی یعنی «اهمیت»، «ارزش» و «قصد و نیت» ارتباط پیدا می کند.

پیاده سازی روایت

مربوط به زمانیست که پژوهشگر پس از مصاحبه با شرکت کننده (گان) اقدام به نوشتن روایت می نماید. با پیاده کردن صدای ضبط شده مصاحبه شونده، آواها را به متن تبدیل می کنیم. در چارچوب تحلیل روایی، پیاده سازی، جایگاه مهمی دارد. در تحقیق روایی این دیدگاه قدیمی که پژوهشگر صحبت های راوی را خلاصه و با واژه های خود بیان کند چندان طرفداری ندارد. توجه به همه صحبت های راوی برای تحلیل کامل داستان، مهم و اساسی است. یعنی نباید حرف های محاوره ای و اشتباهات دستور زبانی را مرتب و درست کرد بلکه باید به همان شکل اصلی آن را حفظ کرد.

ثبت مصاحبه بسیار مهم است. برخی از ضبط دیجیتالی استفاده می کنند که بسیار مناسب است و بهتر نقاط تأکیدی مصاحبه شونده را مشخص می کند. پاره ای علاوه بر ضبط، یادداشت برداری هم می کنند. این امر به خصوص در مواردی مفید است که به علایم غیر کلامی توجه می شود. برخی عادت به هر دو کار را دارند. ولی رونویسی کامل بیانات مصاحبه شونده در حین مصاحبه درست نیست، چون ارتباط را مختل می کند. در مواردی که ضبط ناممکن است و نوشتن هم رابطه را مختل می کند باید پس از انجام مصاحبه بلافاصله همه مطالب را نوشت.

پیاده کردن کامل نوار مصاحبه امری ضروری است: اگرچه وقت گیر است. می توان از کسی خواست نوار را پیاده کند ولی ممکن است او با اصطلاحات آشنا نباشد و به صورت خوبی این کار انجام نشود. بهتر است مصاحبه های اول را خودتان پیاده کنید، گرچه پیاده کردن مطالب توسط دیگری می تواند مفید باشد و اگر کسی این کار را انجام دهد زمان بیشتری را می توان برای تحلیل مصاحبه اختصاص داد.

پیاده سازی به معنای نوشتن دقیق هر لغتی که مصاحبه کننده و مصاحبه شونده بیان می کند نیست، پیاده سازی در اصل یک کنش تفسیری است. چگونگی تبدیل کلام شفاهی به متن بستگی به مفروضات تحقیق دارد؛ مثلاً در تحقیق مبتنی بر مکالمه نه تنها واژگان، بلکه نحوه بیان آنها را در پیاده سازی وارد می کنیم. در

این نوع تحلیل، مکث ها، زمان هایی که طرفین همزمان صحبت می کنند و یا همپوشی دارند و قدرت صدا مهم است.

در نوشته پیاده شده مصاحبه باید نکاتی را در نظر گرفت، از جمله، مکان و زمان مصاحبه و شخص مصاحبه شونده. در این نوشته می توان صحبت های یکی دو نفر را ایتالیک کرد که راحت تر بتوان آن را خواند و حاشیه ای هم برای یادداشت های مصاحبه کننده گذاشت، ولی بین یادداشت مصاحبه شونده و مصاحبه کننده در فاصله گذاشت.

پس از اینکه متن های خود را به عنوان متن های میدانی جمع کردیم، می توانی م آنها را تفسیر کنیم، تفسیری که البته در طول تحقیق هم جریان داشته باشد. آنگاه تفسیر خود را به مشارکت کنندگان می دهیم تا در صورت ضرورت، گفت و گوها ادامه پیدا کند. این متنهای موقت آن قدر نوشته و بازنویسی می شوند تا متن اصلی تحقیق آماده شود.

سؤالات مصاحبه که نقطه شروع روایت هستند می توانند با روندی که کاله (۲۰۰۷ به نقل از ولز ۲۰۱۱) آن را «گوش دادن فعال» می نامد ادامه یابند. گوش دادن فعال یعنی مصاحبه کننده، هنرمندانه سؤالاتی بین جواب های مصاحبه شونده مطرح کند تا درک بهتر و عمیق تری از روایت او داشته باشد. البته روش های تحلیلی مختلف، هر کدام به میزان متفاوتی مصاحبه کننده را تشویق به دخالت در روند مصاحبه می کنند. محققانی که روایت را محصول مشترک مصاحبه کننده و مصاحبه شونده می دانند، نقش فعال تری در روند مصاحبه دارند و آنها که روایت را شامل بخش های عینی و ذهنی می دانند، ابتدا سؤالات مشخصی درباره زندگی فرد می پرسند (تا واقعیت ها را بدست آورند) و سپس سؤالات باز پاسخ را مطرح می کنند تا متوجه شوند این واقعیت ها چگونه داستان را می سازند.

ساخت روایت

در نظر گرفتن تعامل مصاحبه کننده و مصاحبه شونده در روایت، مهم است. در سال های اخیر روش شناسان روش کیفی به این نتیجه رسیده اند که مصاحبه، دستاورد مشترک مصاحبه کننده و مصاحبه شونده است. حتی در مواقعی که مصاحبه کننده تلاش می کند نقش خود را کم رنگ کند، با واکنش های کلامی و غیرکلامی

به پاسخ مصاحبه شونده، در صحبت های او تأثیر می گذارد. البته در نظر گرفتن روایت به عنوان یک ساخت مشترک به این معنا نیست که مصاحبه کننده و مصاحبه شونده هم نظر هستند؛ بلکه داستان گویی، واکنشی به دیدگاه فردی مصاحبه کننده و مصاحبه شونده، تعامل و جایگاه اجتماعی آن هاست.

ایجاد فضای روایت

محققان در مصاحبه تلاش زیادی می کنند که فضایی را ایجاد کنند که در آن مصاحبه شونده بر داستانی که می گوید تسلط داشته باشد. این کار ساده ای نیست. هایدن (۲۰۰۸) چند استراتژی برای این کار ارائه می دهد: مصاحبه در مکانی باشد که زمینه داستان گویی را به وجود آورد، یا مصاحبه کننده بحث را به نحوی دنبال کند که نظر رایج درباره موضوع گفت و گو را مسلم نشمارد، به گونه ای که راوی از بیان دیدگاه خود اتنا ب کند و فضای گفت و گو را با چالش روایت و جهت دهی دوباره مسیر مصاحبه باز کند.

برای بروز روایت به بیرون، باید کمک کرد تا مصاحبه شونده، روایت خود را سرکوب نکند، البته ممکن است در روایتی هم که او ارائه می کند، اثری از روایت خاموش او یافت؛ ولی به تمامه ظاهر نشده باشد. به نظر شومن (۲۰۰۵) پذیرش روایت در نهایت به درک ما از جایگاه راوی در داستان گویی و پذیرش یا عدم پذیرش راوی در جایگاه داستان گویی، بستگی دارد.

پلامر می گوید داستان ها نیاز به مخاطب دارند و در این صورت در دسترس همگان قرار می گیرند. اگر داستانی، گوش برای شنیدن نداشته باشد یا موقعیت فرهنگی برای شنیدن آن فراهم نباشد، این داستان، محو خواهد شد. امروز در بسیاری از کشورهای جهان، داستان بسیاری از گروه ها شنیده نمی شود. داستان زنان مورد تجاوز، خشونت در خانواده، داستان سیاهان و داستان کودکان کار.

اجرای روایت

اجرای روایت به نحو گفتن روایت اطلاق می شود. میان آن جنبه های داستان گویی که تجربه گفتن و شنیدن داستان را بالا می برد (مثل بیان جزئیات واضح، استفاده از حرکات) و روشی که داستان گویی، هویت داستان گو و مخاطب را شکل می دهد، تمایز وجود دارد.

پدیده ها در طی زمان تغییر می کنند. لذا باید در تحقیق روایی، گذشته، حال و آینده افراد، اماکن، چیزها و رخدادهای مورد مطالعه را در نظر بگیریم. اهمیت زمان در تحقیق روایی، نشأت گرفته از این دیدگاه فلسفی درباره تجربه است که «کیفیت رسمی تجربه در خلال زمان به منزله امری ذاتا روایی لحاظ می شود». پدیده را باید در بستر زمان و تحولات زندگی شخص مطالعه کرد.

اعتبار پژوهش روایی

اعتبار پژوهش دارای دو جنبه مهم است. جنبه اول "اعتبار درونی" و جنبه دوم آن "اعتبار بیرونی" است. اعتبار درونی نشان یم دهد که پژوهش تا چه میزان دارای روایی و پایایی است و اعتبار بیرونی نشان یم دهد که پژوهش تا چه میزان می تواند در موقعیت های دیگر، مورد استفاده قرار گیرد. این مهم است که اعتبار بیرونی وابسته به اعتبار درونی است و اعتبار درونی شرط لازم برای وجود اعتبار بیرونی است.

• روایی

پس از انجام تحقیق روایی و انتشار گزارش آن نخستین پرسشی که محقق در برابر آن قرار می گیرد، اعتبار پژوهش اوست. بنا به تعریف چیزی دارای اعتبار است که شاهد یا دلایل کافی برای باور کردن آن وجود داشته باشد.

به طور کلی تحقیق کیفی که پژوهش روایی در قلمرو آن قرار دارد در سنجش اعتبار خود استراتژی های خاصی دارد. استراتژی هایی که بر جهان نگری ها و پرسش های گوناگون کتجانس با مفروضات فلسفی این دیدگاه استوار است. ما در تحقیقات کمی از واژه روایی و پایایی برای ارزشیابی آن تحقیقات استفاده می کنیم، ولی در تحقیقات کیفی به دلیل اینکه مفروضات آن متفاوت است از معیارهای کمی برای تعیین روایی و پایایی استفاده نمی کنیم.

منظور از روایی آن است که آیا ما واقعا آنچه که می‌گوییم درباره پدیده صدق می‌کند؟ بیان آراء محقق و مفروضات او درباره پدیده مورد تحقیق به روایی تحقیق کمک می‌کند. همچنین تحقیق باید در ظرف زمانی مناسبی انجام شود تا مطالعه عمیق پدیده ممکن شود و روایی آن تأمین گردد. از طرق مختلفی می‌توان روایی تحقیق کیفی را سنجید:

۱. مثلث سازی: یعنی از روشی به جز روش‌هایی که تحقیق پیموده روایی را بسنجیم. مثلا اگر مصاحبه می‌کنیم از طریق مشاهده یا تحلیل اسناد یافته‌های خود را بازبینی کنیم.
۲. بازبینی تحقیق به وسیله مشارکت کنندگان در تحقیق. می‌توان نتایج تحقیق را به مشارکت کنندگان در تحقیق داد تا آنها نظر خود را ارائه کنند.
۳. داوری گروهی. داوری گروهی به معنای آن است که نتایج تحقیق را گروهی از اشخاص دارای مشروعیت علمی در آن حوزه تأیید کنند. در پایان نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی معمولا داوری گروهی مرجعی است که روایی کار را ارزیابی و تأیید می‌کند.
۴. تحلیل مورد منفی یا متباین. پیدا کردن مواردی که یافته‌های ما را نقش می‌کنند یا به چالش می‌کشند می‌تواند تأییدکننده فقدان روایی و نبود چنین موارد به منزله روایی تحقیق است.

• پایایی

اگر با دماسنج، نقطه جوش، صد درجه باشد و در هر دفعه سنجش نقطه جوش همین درجه نشان داده شود آن دماسنج قابل اعتماد است. به همین قیاس، هر تحقیق در صورت تکرار اگر به همان نتایج پیشین برسد دارای پایایی است.

در تحقیقات کیفی به دلیل ماهیت متغیر رفتارهای انسان نمی‌توان از پایایی به این معنا صحبت کرد. مفهوم پایایی در تحقیقات کیفی به معنای سازگاری یا اتکاپذیری است. به این معنا که نتایج تحقیق، به نظر دیگران هم دارای معناست و هماهگ و قابل اعتماد و اتکااست.

به همان ترتیب که ممیز و حسابرس، حساب‌های یک شغل را بررسی و آن را تأیید یا رد می‌کند، خوانندگان مستقل می‌توانند یافته‌های یک محقق را با پیگیری مسیر محقق تأیید کنند. در این میان، یادداشت‌های

محقق که تأملات اوست، راهگشاست. ثبت دائم تعامل شما با داده ها در جریان تحلیل و تفسیر توصیه می شود.

• اعتبار بیرونی یا تعمیم پذیری

تعمیم پذیری به معنایی که در تحقیقات کمی که بر نمونه گیری تصادفی مبتنی است، در تحقیق کیفی فاقد معناست. تعمیم پذیری در تحقیق کیفی به معنی تعمیم دهی وابسته به زمینه است و نه تعمیم دهی به معنای کمی آن.

درباره تعمیم پذیری و میزان آن، خوانندگان تحقیق هم داوران خوبی هستند. خواننده می تواند دریابد که چه چیزی در این تحقیق است که من می توانم در موقعیت خودم به کار گیرم و کدام یک قابلیت کاربرد ندارد. از این گونه داوریدر پزشکی و حقوق استفاده می شود. یک پزشک می تواند با درنظر گرفتن موردی که مطالعه کرده است، درباره مورد جدید تصمیم بگیرد که تا چه میزان می توان از نوع درمان در مورد قبلی، در مورد تازه استفاده کرد.

فراهم آوردن توصیف غنی و انبوه، راهبرد دیگری است که میزان تعمیم پذیری را افزایش می دهد. این کار، مستلزم بانک اطلاعاتی مناسب است، یعنی توصیف تفصیلی و غنی، همچنین اطلاعاتی که خواننده را قادر به درک میزان قرابت و شباهت موقعیت ها می کند و خواننده با مطالعه این موارد می تواند بهتر درباره تعمیم تصمیم بگیرد.

کرسول (۲۰۰۷) می گوید محقق روایی باید به مسائل زیر توجه کند تا تحقیق او واجد اعتبار شمرده شود:

- داستان ها درباره یک نفر است (دو یا سه نفر)
- داستان ها از مسائل معنادار زندگی فرد فراهم شده است.
- ابعاد مختلف داستان در تسلسل و ترتیب زمانی بسط یافته اند.
- داستان محقق، بازگویی روایت مشارکت کننده تحقیق است.
- داستان، به گونه ای مجاب کننده و به شیوه ادبی بیان شده است.
- روایت، مضامین منتج از داستان را گزارش می کند تا تحلیلی گسترده تر را بیان کند.

- محقق، در جریان داستان به نحوی فکورانه قرار می گیرد.

ملاحظات اخلاقی در پژوهش روایی

هنگامی که محقق روایی، یافته های خود را به صورت روایتی بازخوانی شده ارائه می کند، نخستین سؤال این است که چه کسی مالک روایت است. این پرسش سؤالی است که سال ها مردم نگاران با سؤالی مشابه درگیر بوده اند. مردم نگاران، سؤالاتی از این قبیل را باید جواب می دادند: آیا محققان باید تفسیر خود را در اختیار مشارکت کنندگان در تحقیق قرار دهند؟ در این صورت، محقق به واکنش هایی مشارکت کنندگان تحقیق، چگونه باید پاسخ دهد؟ سؤال هایی از این قبیل بسیار پیچیده اند؛ چون تحلیل روایی مستلزم بازنمایی مجدد روایت کسی است، بازنمایی دیگری که بیم ناهنجار نشان دادن راوی نخست در آن می رود، به خصوص در مواردی که راوی به مشکلاتی در زندگی اش اشاره می کند.

به هر روی به نظر می رسد که باید در قالب قواعد اخلاق یا هنجارهای متعارف جامعه اجازه مشارکت کننده در تحقیق - که ممکن است از بازنمایی ما خرسند نباشند - در انتشار روایت او گرفته شود.

نکته دیگر صحت و سقم روایت راوی است. محقق باید از این بابت احساس اطمینان کند. گاه راوی، داستان را به گونه ای بیان می کند که چهره ای مثبت از او نشان دهد. با ترکیب داده ها از منابع مختلف (مانند روایت، اسناد، نامه ها، مشاهدات و امثال اینها) می توان از این امر اطمینان حاصل کرد.

محقق در طول تحقیق، گردآوری داده ها، تحلیل و انتشار گزارش تحقیق با مسائل معتنا به مواجه است. مسائلی مانند گمنام ماندن اطلاع رسان ها به اسناد شماره یا نام مستعار به آنها، محقق باید در هنگام روایت، تصویری ترکیبی ارائه کند و نه تصویری فردی. علاوه بر آن برای اینکه حمایت مشارکت کنندگان جلب شود محقق روایی باید مقصد تحقیق را به روشنی بیان کند و مرتکب خدعه و دروغ نشود.